



رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، دکتر محمد دبیرمقدم، ۲ جلد،
تهران: سمت، ۱۳۹۲، سی + ۱۲۶۹

راحله ایزدی‌فر^۱

زبان‌های محلی متعدد رایج در سرزمین بزرگ ایران، سرمایه‌های ارزشمند فکری، فرهنگی و تاریخی ایران هستند و ثبت و ضبط و حفظ همه آن‌ها وظیفه‌ای است بر دوش پژوهشگران و نهادهای علمی عرصه علوم انسانی. کتاب اخیر دکتر دبیرمقدم، علاوه بر بررسی زبان فارسی و سیر تاریخی آن، به توصیف، تحلیل و تبیین رده‌شناختی ۱۲ زبان ایرانی متداول در قلمرو جغرافیایی ایران اختصاص دارد. علاوه بر زبان فارسی و رده‌شناسی تاریخی آن، زبان بلوچی، زبان دوانی، زبان لارستانی، زبان تالشی/ طالشی و زبان وفسی در جلد نخست کتاب حاضر و زبان کردی، زبان اورامی، زبان لکی، زبان دلواری، زبان نائینی، زبان شه‌میرزادی و زبان تاتی در جلد دوم کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

درحالی‌که زبان فارسی میراث مشترک همه ایرانیان است، همه مردم ایران باید تلاش کنند گویش‌ها و زبان‌های مختلف ایرانی را به فرزندان خود بیاموزند تا این میراث غنی حفظ گردد. نویسنده اثر حاضر، مجموعه دوجلدی خود را به همه گویشوران زبان‌های ایرانی تقدیم کرده است. گویشورانی که مقام زبان محلی خود را به عنوان میراث بزرگ انسانی، فرهنگی، فکری و ایرانی می‌شناسند و به دانستن آن زبان بر خود می‌بالند و برای ماندگاری آن می‌کوشند. تألیف چنین آثاری از سوی محققین ایرانی، ادای دین نسبت به تاریخ، فرهنگ، زبان و ادبیات ایران و حاکی از درک این میراث غنی است. زبان‌های ایرانی، سرمایه ملی همه ایرانیان است و انجام کارهای تحقیقاتی در مورد این سرمایه‌های عظیم ایران‌زمین، کاری بسیار ارزشمند است.

همان‌طور که نویسنده اثر حاضر اذعان داشته، گزاف نیست اگر گفته شود که کتاب حاضر توصیفی است از زبان‌های ایرانی ایران از منظری که پیش‌تر بررسی، توصیف و کاویده نشده‌اند. یافته‌های این کتاب می‌تواند به شناخت بیشتر جامعه بین‌المللی زبان‌شناسی از اهمیت، ارزش و تعیین‌کننده بودن زبان‌های ایرانی در مباحث و مجادله‌های نظری درباره ماهیت زبان بشر، تغییر و تحول زبان‌ها، برخورد و

✉ raheleh.izadifar@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

تماس بین زبان‌ها و قرض‌گیری، به‌ویژه قرض‌گیری ساختاری آن‌ها از یکدیگر و مواردی از این قبیل کمک کنند.

بیش از نیم قرن از احیای مجدد زبان‌شناسی زایشی می‌گذرد و این رویکرد از آن زمان دچار تحولات عمده‌ای شده و در بسیاری از توصیف‌های زبانی در مورد زبان‌های بشری مورد استفاده قرار گرفته است. نویسنده کتاب حاضر نیز شرح مفصلی از رویکرد زایشی را در دبیرمقدم (۱۳۸۳) آورده است. با این حال، وی در جدیدترین اثر خود از رویکرد دیگری غیر از رویکرد زایشی بهره برده و تبیین مشاهدات خود در مورد زبان‌های ایرانی را بر اساس پارامترهای دوازده‌گانه در دستور همگانی چامسکیایی ناممکن می‌داند و بر این باور است که رویکردهای رده‌شناختی که به مفهوم "انگیزه‌های رقابت‌کننده" باور دارند و گوناگونی‌های بین زبان‌ها را نتیجه و برآیند رقابت میان انگیزه‌ها و عوامل مختلف می‌دانند، تبیین واقع-بینانه‌تری از رفتار رده‌شناختی زبان‌های ایرانی به دست می‌دهند (ص ۱۲۰۷). نویسنده اثر حاضر از متخصصان پیش‌تاز در حوزه زبان‌شناسی در سطح داخلی و بین‌المللی در به‌کار بستن رویکرد رده‌شناسی زبان در مورد زبان‌های ایرانی به شمار می‌رود. از مقاله‌های وی در چارچوب رده‌شناسی می‌توان به مقاله-های رده‌شناسی ترتیب واژگان زبان‌های ایرانی (۲۰۰۱)، نیروهای درونی و بیرونی در رده‌شناسی: شواهدی از زبان‌های ایرانی (۲۰۰۶)، و رده‌شناسی زبان‌شناختی: دیدگاهی ایرانی (۲۰۱۲) اشاره کرد که همه به زبان انگلیسی چاپ شده‌اند و در شناساندن ویژگی‌های رده‌شناختی زبان‌های ایرانی در جهان نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بررسی رده‌شناختی زبان‌های ایرانی توسط استاد برجسته‌ای همچون دکتر دبیرمقدم، نویددهنده گرایش به این رویکرد در مطالعات زبان‌شناختی زبان‌های ایرانی در آینده است. نویسنده در مقدمه کتاب اظهار داشته که از بیست سال قبل در اندیشه نگارش این اثر بوده و از سال ۱۹۷۸ با بزرگ‌ترین رده-شناسان جهان از جمله جوزف گرینبرگ و برنارد کامری ملاقات داشته است. اشاره نویسنده به مطالعه آثار رده‌شناختی در این مدت و صرف چنین زمانی برای نگارش کتاب حاضر در رویکرد رده‌شناختی، گویای اهمیت این رویکرد در زبان‌شناسی امروز است. این درحالی است که رساله دکتری نویسنده در حوزه زایشی تألیف شده است. تغییر رویکرد نویسنده در تألیفات آغازین وی در چارچوب گشتاری به تألیفات بعدی و به ویژه اثر حاضر در چارچوب رده‌شناختی همراستا با رشد جهانی این رویکرد در میان زبان‌شناسان مهم دنیا است. مطالعه ساختار کنائی در کتاب حاضر نیز از منظر رده‌شناختی است و نویسنده برای مثال در پیشینه کنائی و نظایر آن، از پرداختن به جزئیات تحلیل‌هایی که این منظر را انتخاب نکرده‌اند، پرهیز کرده است. وی در فصل یافته‌ها و پیامدها نیز تصریح کرده که شواهد داده‌بنیان و تجربی از زبان‌های ایرانی نو همسو با نگاه دوشقی و پارامتری به ساختار زبان‌ها نیست و آن را تأیید نمی‌کند.

رویکرد رده‌شناختی کتاب حاضر را می‌توان نشانه اهمیت رویکرد رده‌شناختی در مطالعات نوین زبان‌شناختی دانست. چارچوب مورد استفاده در کتاب حاضر همچنین می‌تواند نشانه‌ای باشد برای دانشجویان و تازه‌واردان به عرصه علم زبان‌شناسی در ایران که مطالعه یک‌زبانه چامسکیایی برای توصیف و بررسی زبان‌ها کفایت نمی‌کند و بررسی و مقایسه بین‌زبانی رده‌شناختی می‌تواند دید یک زبان‌شناس را

در مطالعاتش بسیار گسترده‌تر سازد. نویسنده اثر حاضر نیز خود بر این نکته اذعان داشته و دستاوردهای اثر جدید خود از جمله دستیابی به گوناگونی‌ها در عملکرد نظام‌های مختلف همچون نظام مطابقه، حالت و استقلال آن را دستاورد مهم رده‌شناسی زبان دانسته است.

رده‌شناسی شاخه‌ای علمی است که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. در زبان‌شناسی، این شاخه مطالعاتی با عنوان رده‌شناسی زبان^۱ و رده‌شناسی زبان‌شناختی^۲ مصطلح است و به اختصار، رده‌شناسی نامیده می‌شود. این شاخه مطالعاتی در زبان‌شناسی قدمتی ۲۵۰ ساله دارد. گابلنتس^۳، دانشمند آلمانی وابسته به مکتب نودستوریان که به زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی و مطالعات ریشه‌شناختی اهتمام داشت، واژه آلمانی *typologie* "رده‌شناسی" را برای نامیدن این شاخه علمی وضع کرد. برنارد کامری^۴ که برجسته‌ترین رده‌شناس حال حاضر جهان معرفی شده، رده‌شناسی زبان را به صورت "مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها" تعریف کرده که پیش‌انگاره حاکمیت برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها در این تعریف وجود دارد (کامری ۲۰۰۱: ۲۵ به نقل از دبیرمقدم ۱۳۹۲: ۲). جوزف گرینبرگ^۵ که پدر رده‌شناسی نوین نامیده شده، در مقاله (۱۹۶۳) خود با عنوان "برخی همگانی‌های دستور با تأکید ویژه بر توالی عناصر معنی‌دار"، باب نوینی در پژوهش‌های رده‌شناختی گشود و افق‌های تازه‌ای فراروی رده‌شناسان نهاد. گرینبرگ با بررسی ۳۰ زبان که هیچ‌یک از زبان‌های ایرانی جزو فهرست او نبود، ۴۵ همگانی تلویحی را مطرح کرد. ۲۸ مورد از این همگانی‌ها با ترتیب واژه‌ها مرتبط بود. مقاله درایر^۶ (۱۹۹۲) با عنوان "همبستگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی"، بررسی بسیار مهم دیگری است که با اتخاذ رویکرد رده‌شناختی گرینبرگ به بحث در مورد همبستگی میان برخی ساخت‌های زبانی از یک سو و ترتیب مفعول نسبت به فعل از سوی دیگر پرداخته است. پیکره زبانی مقاله درایر مبتنی بر ۶۲۵ زبان است.

رده‌شناسی در ۵۰ سال گذشته رشد زیادی داشته و با عنوان زبان‌شناسی نقشی - رده‌شناختی به رویکرد غالب سوم در کنار صورت‌گرایی و زبان‌شناسی شناختی در زبان‌شناسی حال حاضر جهان تبدیل شده است. با این حال، مسأله تاسف‌برانگیز در مورد مطالعه بسیاری از پدیده‌های زبانی و طبقه‌بندی پدیده‌های زبان‌شناختی در آثار رده‌شناسان جهان تاکنون، توجه اندک یا عدم توجه به زبان‌های ایرانی و حتی زبان فارسی در بسیاری از تحقیقات زبان‌شناختی و رده‌شناختی گذشته است. به عنوان نمونه، علیرغم وجود ساخت کنائی یا ویژگی‌های کنائی در بسیاری از زبان‌های ایرانی، در فهرست زبان‌های کنائی یا زبان‌های برخوردار از ساختار کنائی، نام هیچ زبان ایرانی رایج در ایران ذکر نشده است. در نمایه ۲۰۱ زبان نامبرده شده در کوربت^۷ (۲۰۰۶) نیز هیچ زبان ایرانی یا حتی فارسی گنجانده نشده است. در ۶۲۵ زبان

1. language typology
2. linguistic typology
3. Geor von der Gabelentz (1840-1893)
4. Bernard Comrie
5. Goseph Greenberg
6. Dryer
7. Corbett

پیکره زبانی درابر (۱۹۹۲) نیز هیچ‌یک از زبان‌های ایرانی وجود ندارند. این بی‌توجهی‌ها درحالی‌ست که زبان‌های ایرانی به دلیل داشتن تاریخ مشخص و منابع مکتوب از مراحل مختلف تاریخی خود، عرصه مناسبی برای بررسی‌های تاریخی و در زمانی نیز فراهم می‌کنند. یافته‌های مبتنی بر زبان‌های ایرانی نو می‌تواند بر تحولات تاریخی‌ای که در زبان‌های ایرانی رخ داده و موجب پیدایش ساخت‌های نحوی جدید شده، پرتو بیفکند. تنوع زیاد و حتی منحصر به فرد زبان‌های ایرانی و گویش‌های مختلف آنها نیز در میان خانواده‌های زبانی دنیا نادر یا اندک است. مطالعه ده‌ها زبان و صدها گویش زبان‌های ایرانی می‌تواند به تکمیل مطالعات رده‌شناختی زبان‌های جهان کمک شایانی کند. به عنوان نمونه، همان‌طور که نویسنده کتاب حاضر در فصل یافته‌ها و پیامدها تصریح کرده است، بررسی رده‌شناختی زبان‌های ایرانی نو نشان می‌دهد که فائل شدن به دو رده فعل - میانی یا فعل - پایانی بین زبان‌های جهان کافی نیست و وضعیت بینابینی را نیز باید به منزله یک "رده" مستقل دانست که الزاماً نمی‌توان آن را مرحله‌ای موقتی و در گذار دانست (ر.ک. صفحه ۱۱۹۷).

مقاله‌های نوشته‌شده به زبان انگلیسی توسط نویسنده کتاب حاضر از نخستین و مهم‌ترین تلاش‌ها برای بررسی رده‌شناختی زبان‌های ایرانی بوده است و ۱۲ زبان مورد بررسی در کتاب حاضر نیز داده‌های رده‌شناختی گسترده‌ای را شامل می‌شود.

تألیف اثر حاضر به فارسی دست‌کم از دو جنبه حائز اهمیت است: نخست، اهمیت زبان فارسی را به عنوان زبان نگارش آثار مهم نشان می‌دهد و دوم، امکان مطالعه کتاب برای بسیاری از افراد غیر آشنا با انگلیسی را فراهم ساخته است. به باور نویسنده، زبان فارسی هنگامی می‌تواند در مقام زبان علم تقویت شود که علوم و فنون مختلف به این زبان تدریس و تألیف شود. نویسنده اثر حاضر، نسخه‌های اولیه مقاله‌های رده‌شناختی خود را در همایش‌های داخلی و خارجی مختلف به انگلیسی نیز ارائه نموده و از نظرات رده‌شناسان و ایران‌شناسان بزرگ جهان در مورد داده‌های تحقیقات خویش بهره‌مند شده است. برنارد کامری، رده‌شناس برجسته حال حاضر جهان، در معرفی کتاب حاضر، آن را اثری مهم دانسته که پس از مدت‌های مدید، شرح مفصلی از پژوهش‌های اخیر در رده‌شناسی زبان را با به خدمت گرفتن مواد زبانی روشنگر از زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایران ارائه می‌کند. به اعتقاد وی، این کتاب شکاف بین رده‌شناسی زبان، زبان‌های ایرانی، و خوانندگان فارسی‌زبان را برطرف می‌کند.

مقاله‌های پیشین نویسنده که فهرست برخی از آنها در منابع پایانی آورده شده و کتاب دوجلدی حاضر، زبان‌های ایرانی را در طرح کلی گوناگونی بین‌زبانی قرار می‌دهد و امکان مقایسه این زبان‌ها با خانواده بزرگ‌تر هندواروپایی و نیز تمام زبان‌های جهان را فراهم می‌سازد.

در ادامه، مروری بر بخش‌های مختلف و مطالب کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی شده است. فهرست مطالب، فهرست شکل‌ها و فهرست جدول‌های هر جلد، صفحات اولیه در هر جلد کتاب را تشکیل می‌دهند. نقشه موقعیت جغرافیایی کانونی زبان‌های ایرانی توصیف‌شده در کتاب حاضر، آمار جمعیت مناطقی که زبان‌های مورد بررسی در این کتاب در آنجا گفت‌وگو می‌شود، راهنمای آواها، کوته‌نوشته‌ها،

نشانه‌های قراردادی و راهنمای استفاده از مثال‌ها از بخش‌های آغازین مشترک در هر دو جلد کتاب هستند.

فصل اول کتاب شامل معرفی رده‌شناسی و کلیات و تاریخچه آن و سپس معرفی ساختار کنائی / ارگتیو، نظام‌های حالت و مطابقه می‌باشد. یکی از ویژگی‌های ممتاز اثر حاضر، شرح مفصل پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در مورد رده‌شناسی و ساخت کنائی در فصل نخست کتاب است. از این رهگذر، خواننده پیش از ورود به مبحث اصلی با آثار و تحقیقات پیشین در حوزه‌های مذکور آشنا می‌شود و درک مطالب فصل‌های بعدی در مورد ویژگی‌های رده‌شناختی زبان‌های ایرانی برای او آسان‌تر می‌گردد. خلاصه تألیف کتابی در معرفی رده‌شناسی به زبان فارسی دست کم تا حدی با بخش اول این فصل کتاب پر شده است. دو پارامتر رده‌شناختی برای بحث در کتاب حاضر انتخاب شده‌اند. این دو پارامتر، ترتیب واژه و کنائی بودن هستند. در بخش ترتیب واژه، در مورد هر یک از ۱۲ زبان ایرانی مورد بررسی در این کتاب، ۲۴ مؤلفه ساختاری مبنا و ملاک قرار گرفته‌اند. چارچوب نظری پژوهش رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی در کتاب حاضر بر مبنای مقاله (۱۹۹۲) درایر و تحقیقات تکمیلی وی است. تنوع گسترده‌ای در مواد زبانی زبان‌های ایرانی در هر دو پارامتر ترتیب واژه و کنائی بودن وجود دارد. برای مثال، زبان فارسی در ترتیب خنثای واژه‌ها، زبانی فعل - پایانی تلقی می‌شود اما بر اساس اکثر پارامترهای دیگر با زبان‌های فعل - پایانی مغایرت دارد. بسیاری از زبان‌های ایرانی از این جهت تفاوت‌های زیادی با زبان فارسی دارند و برخی از آنها از بسیاری جهات فعل - پایانی یا فعل - آغازین هستند و از این رو، عرصه مناسبی برای بررسی این پدیده‌های زبانی در اختیار محققان قرار می‌دهند که چه بسا نتایج حاصل از این تحقیقات بر تعمیم‌های جهانی نیز تأثیراتی بگذارد. از جهت پارامتر دوم یعنی کنائی بودن نیز تنوع گسترده‌ای در زبان‌های ایرانی مشاهده می‌شود. می‌توان گفت شواهدی از تمام یا بیشتر نظام‌های انطباق از جمله حالت‌نمایی و مطابقه فعلی از فاعلی - مفعولی کامل گرفته تا کنائی - مطلق کامل و طبقه‌بندی‌های بین آنها در زبان‌های ایرانی وجود دارد. محدود کردن بررسی رده‌شناختی کتاب حاضر به دو پارامتر سبب شده نویسنده بتواند به نحوی عمیق به مباحث بپردازد.

موضوع اصلی دیگر مطرح‌شده در مورد ۱۲ زبان ایرانی در این کتاب، مطابقه^۱ است. مطابقه را مطابقت^۲، هم‌نمایی^۳ و ارجاع متقابل^۴ نیز نامیده‌اند. همه زبان‌های ایرانی متداول در ایران از سازوکار مطابقه برای صورت‌بندی فاعل و مفعول بهره می‌برند. بر این اساس، مطابقه در این زبان‌ها دستوری شده^۵ شده است. بارزترین جلوه مطابقه همان تطابق فعل و فاعل است که به صورت پسوند مطابقه فاعلی یا شناسه در فعل بازنمایی می‌یابد مانند پسوندهای - /یم و - ند در مثال‌های رفته‌ایم و نوشتند. علیرغم

1. agreement
2. concord
3. indexation
4. cross - referencing
5. grammaticalized

تنوع بسیار گسترده و گاه برداشت‌های متفاوت از مفهوم کنائی در سه رویکرد زایشی، نقش‌گرا و رده-شناختی، چارچوب مورد استناد در کتاب حاضر برای مطالعه رده‌شناختی زبان‌های ایرانی، رویکرد معیار در چارچوب رده‌شناختی است که در مقاله دوران‌ساز کامری (۱۹۷۸) مطرح شده است. کامری در این مقاله از پنج رده زبانی بر پایه سه نماد S، A و P صحبت کرده است. این رویکرد در دیکسون^۱ (۱۹۹۴) نیز پذیرفته شده است. نویسنده کتاب حاضر نیز این نظام‌های پنج‌گانه را پذیرفته و در توصیف‌ها و تحلیل‌های خود در جای‌جای کتاب از آنها بهره برده است.

در اکثر زبان‌های ایرانی رایج در ایران، از سازوکار "ضمیر واژه‌بستی"^۲ برای ارجاع به فاعل دستوری فعل‌های متعدی ساخته شده با ستاک گذشته استفاده می‌شود. به بیان ساده‌تر، ضمیرهای واژه‌بستی همان ضمیرهای متصل‌اند. این زبان‌ها را اصطلاحاً زبان کنائی^۳ یا همان ارگتیو نامیده‌اند. به باور نویسنده، کاربرد این اصطلاح در مورد زبان‌های ایرانی مذکور غالباً از روی سهو و تسامح بوده است. از این‌رو، تعیین رده دقیق زبان‌های ایرانی ایران بر اساس نظام مطابقه، هدف عمده دیگر کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی بوده است.

در فصل دوم کتاب، از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی بحث شده که با عنوان کتاب ارتباط مستقیم دارند. در این فصل، نخست پیشینه زبان‌های ایرانی معرفی شده و از دوره‌های تاریخی این زبان‌ها صحبت شده است. در ادامه، مطالعاتی که با موضوع ترتیب واژه/سازه در زبان فارسی از منظر رده‌شناختی، زایشی و آماری پرداخته‌اند، مرور شده‌اند. سپس وضعیت رده‌شناختی زبان فارسی معاصر بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها/سازه‌ها در چارچوب رده‌شناختی هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان بررسی شده و نتیجه آن در قالب جدول‌هایی ارائه شده است. رده‌شناسی تاریخی زبان فارسی در دوره فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی نو و توصیف تحولات رده‌شناختی زبان اوستائی از دیگر مباحث این فصل است. تحقیقات پیشین در مورد ساختار کنائی در زبان‌های ایرانی و منشأ پیدایش آن نیز در این فصل به تفصیل شرح داده شده است. بخش آخر فصل دوم به معرفی روش گردآوری داده‌ها و فراهم‌شدن پیکره زبانی لازم برای مطالعه زبان‌های ایرانی در این کتاب اختصاص دارد.

در معرفی روش گردآوری داده‌ها، نویسنده اظهار داشته که وی در گردآوری داده‌ها و پیکره زبانی برای بررسی زبان‌های ایرانی از مجموعه‌ای از ابزارها و منابع، شامل پرسش‌نامه، مصاحبه با گویشوران، کتاب‌های دستور، متن و توصیف‌های زبان‌شناختی استفاده کرده است. نویسنده نخست پرسش‌نامه ۵۰ صفحه‌ای را با بررسی منابع بین‌المللی طراحی و تدوین نموده است. تأکید وی در تهیه این پرسش‌نامه بر مؤلفه‌های نحوی و صرفی بوده اما بخش‌های جداگانه‌ای را به ویژگی‌های آوایی، واجی، واژگانی و برخی ساخت‌های گفتمانی همچون مبتداسازی نیز اختصاص داده است. نویسنده در گردآوری مطالب کتاب حاضر با گویشوران زبان‌ها و گویش‌های ایرانی آشنا شده و از دانش زبانی آنان بهره‌مند بوده است. در آغاز

1. Dixon
2. pronominal clitic / clitic pronominal
3. ergative language

هر فصل، نام و مشخصات گویشوران زبان مورد بررسی و نحوه آشنایی نویسنده با آنان ذکر شده و نویسنده به آنان ادای دین کرده است. علیرغم توصیف مفصل نویسنده از پرسش‌نامه مورد استفاده در گردآوری داده‌های تحقیقات وی، آوردن نمونه‌ای از پرسش‌نامه تکمیل‌شده در ضمیمه اثر حاضر می‌توانست شاهد گویایی از روش گردآوری داده‌ها باشد.

هر یک از فصل‌های سه تا چهارده به بررسی رده‌شناختی یک زبان ایرانی پرداخته است. فصل‌های سوم تا هفتم در جلد یک و فصل‌های هشتم تا چهاردهم در جلد دوم کتاب گنجانده شده‌اند. در هر یک از فصل‌های سه تا چهارده، دو بخش اصلی وجود دارد. در بخش اول، مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در مورد زبان آن فصل سنجیده شده‌اند و در ادامه، وضعیت رده‌شناختی آن زبان با توجه به مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها در دو جدول نشان داده شده است. جدول اول، وضعیت هر زبان را در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا نشان می‌دهد و جدول دوم، وضعیت آن زبان را در مقایسه با زبان‌های جهان آشکار می‌سازد. در پایان این زیربخش، ستون‌های جمع جدول‌های مؤلفه‌های هر زبان با زبان فارسی مقایسه شده و بر این اساس، تفاوت‌های بین آن زبان و فارسی نشان داده شده است. مؤلفه‌هایی که میان زبان فارسی از یک سو و دیگر زبان‌های ایرانی از سوی دیگر متمایزند، موارد بالقوه تداخل و همگرایی را تشکیل می‌دهند. این مؤلفه‌ها در بحث برخورد و تماس بین زبان‌ها بالقوه در معرض تأثیرپذیری از زبان فارسی هستند که در مقام لایه زیرین قرار دارد زیرا زبان رسمی کشور، زبان آموزش در همه مقاطع تحصیلی و نیز زبان رسانه‌های گروهی است (ص ۱۲۱۹).

در بخش دوم فصل‌های سه تا چهارده، نظام مطابقه در یک زبان و گویش‌های انتخاب‌شده آن به تفصیل بررسی شده و الگوهای نظام مطابقه و یافته‌های حاصل از بررسی‌ها مورد بحث قرار گرفته است. در پایان هر فصل، خلاصه مطالب آن فصل آورده شده که خواننده را در رسیدن به جمع‌بندی در مورد مطالب مطرح‌شده در آن فصل یاری می‌دهد.

نویسنده برای عنوان هر فصل از اصطلاح "زبان" استفاده کرده و یک یا دو گویش از هر یک از این ۱۲ زبان را برای توصیف آن زبان انتخاب نموده است. برای مثال، در فصل ۱۴، گویش چالی زبان تاتی مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده اثر حاضر پیش‌تر در مقاله‌ای به توصیف دقیق مفاهیم "زبان، گویش، لهجه و گونه" پرداخته بود (ر.ک. دبیرمقدم ۱۳۸۷) و در مقدمه کتاب حاضر نیز حوزه کاربرد هر یک از این مفاهیم را مشخص نموده و برای هر یک مثال‌های متعددی آورده است.

فصل سوم کتاب با عنوان زبان بلوچی، به بررسی رده‌شناختی دو گونه بلوچی رایج در ایرانشهر، واقع در منتهی‌الیه قلمرو بلوچی غربی اختصاص دارد. دو گونه مذکور به بلوچی اربابان (یا دهقانان یا شهریان) و بلوچی بلوچان معروف‌اند. بلوچی از زبان‌های ایرانی غربی شمالی است. جهانی و کورن^۱ (۲۰۰۹: ۶۳۴) تعداد کل گویشوران بلوچی را حدود پنج تا هشت میلیون نفر تخمین زده‌اند. در بخشی از این فصل نیز از سه گروه گویشی دیگر بلوچی که آنها نیز به بلوچی غربی تعلق دارند، بحث شده است. این سه گروه

گویی شامل (الف) گویش‌های لشاری، سراوانی، زاهدانی و خاشی، (ب) بلوچی زابلی / سپستانی، و (ج) بلوچی ترکمنستانی هستند. مطالب این فصل در ۱۰۵ صفحه تنظیم شده و با بررسی ۴۴۷ مثال ارائه شده است.

فصل چهارم به زبان دوانی اختصاص دارد. دوانی متعلق به شاخه غربی جنوبی زبان‌های ایرانی است. این زبان در روستای دوان، که گویشوران آن را دُوو^۱ تلفظ می‌کنند، گفت‌وگو می‌شود. روستای دوان در دوازده کیلومتری شمال شرقی کازرون در استان فارس در دامنه کوه دوان واقع است.

لارستانی، دیگر زبان ایرانی مورد بررسی در کتاب حاضر است و فصل پنجم کتاب به آن اختصاص یافته است. لارستانی زبان ایرانی غربی جنوبی است که در بخشی از استان فارس به آن گفت‌وگو می‌شود. لاری، خُنْجی، گِراشی، اُوْزی، بَسْتکی، و بیخه‌ای از جمله گویش‌های زبان لارستانی هستند. گویش لارستانی مورد بررسی در این فصل از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، گویش شهر لار است. در کنار شواهد گویش لار، شواهدی از گویش خُنْج نیز ارائه شده است.

در فصل ششم، زبان تالشی / تالشی از زبان‌های ایرانی غربی شمالی مورد بررسی قرار گرفته است. سخنگویان این زبان در تالش / تالش، واقع در استان گیلان، و در مناطقی از جمهوری آذربایجان ساکن هستند. گونه‌ای از تالشی که در این فصل توصیف شده متعلق به تالشی شمالی است که در روستای عبران بالا واقع در ۴۰ کیلومتری شمال شهرستان اردبیل در نوار مرزی جمهوری آذربایجان به آن گفت‌وگو می‌شود.

فصل هفتم، آخرین فصل جلد نخست کتاب است و به زبان وفسی اختصاص دارد. وفسی نیز از شاخه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی است. این زبان هم‌اکنون در منطقه وفس، منتهی‌الیه شمال غربی استان مرکزی در چهار روستای وفس، چهره‌قان، گورچان و فَرک گفت‌وگو می‌شود. در روستاهای اطراف وفس به زبان ترکی صحبت می‌شود و این منطقه در مرکز آن روستاها واقع است. نویسنده در این فصل، علاوه بر پرسش‌نامه گردآوری شده از گویش وفسی روستای وفس، پیکره‌ای از این زبان را نیز مورد تحلیل قرار داده است. پیکره مذکور در کتاب استیلو^۲ (۲۰۰۴) با عنوان قصه‌های محلی وفسی گردآوری شده و شامل ۲۴ قصه به گویش گورچانی زبان وفسی است که ایران‌شناس انگلیسی، الول - ساتن^۳ در سال ۱۹۵۸ در ایران روی نوار ضبط کرده است.

ادامه مباحث کتاب در جلد دوم ادامه یافته است. فصل هشتم، نخستین فصل جلد دوم است و به زبان کردی اختصاص دارد. از آنجا که زبان کردی، گویش‌های مختلفی دارد و سخنگویان آن در سه استان کردستان، کرمانشاه و ایلام و استان‌های دیگر ساکن هستند، این فصل یکی از طولانی‌ترین فصول کتاب و بالغ بر ۱۹۰ صفحه است و دست کم ۷۰۹ مثال از گویش‌های مختلف کردی در آن ذکر شده است. کردی متعلق به گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی است و معمولاً آن را به سه گروه کردی

1. dovu
2. Stilo
3. L. P. Elwell-Sutton

شمالی، کردی مرکزی، و کردی جنوبی تقسیم می‌کنند. گویش‌های بانهای و سنندجی از گروه گویشی کردی مرکزی و گویش‌های کلهری و کرمانشانی از گروه گویشی کردی جنوبی در این فصل بررسی شده‌اند. همچنین، نویسنده به منظور به دست دادن تصویری فراگیر از گونه‌های مختلف کردی در موضوع "نظام مطابقه"، یافته‌های پنج اثر در مورد کردی را نیز بررسی کرده است.

زبان اورامی، که اورامانی و هورامی نیز خوانده می‌شود، زبان مورد بررسی در فصل نهم است. این زبان متعلق به شاخه زبان گورانی از گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی است. گونه‌ای از اورامی که در این فصل توصیف شده، گویش شهر پاوه در استان کرمانشاه است.

فصل دهم به زبان لکی اختصاص دارد. زبان لکی از گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی است که هم‌اکنون در مناطقی از استان لرستان به آن گفت‌وگو می‌شود. گویش کوه‌دشت و نورآباد از گونه‌های زبان لکی در این فصل توصیف شده‌اند.

زبان دلواری از شاخه زبان‌های گروه غربی جنوبی زبان‌های ایرانی، موضوع فصل یازدهم است. گونه‌ای از دلواری که در این فصل توصیف شده، گویش تنگسیری است که در مناطق ساحلی تنگستان به مرکزیت دلوار واقع در ۳۵ کیلومتری شهر بوشهر به آن گفت‌وگو می‌شود.

زبان نائینی، متعلق به گروه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی و از جمله زبان‌های فلات مرکزی ایران در فصل دوازدهم بررسی شده است. گویش روستای نیستانک که در حدود ۳ کیلومتری شمال شهرستان نائین در استان اصفهان واقع است، گونه نائینی مورد توصیف در این فصل از کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی است.

فصل سیزدهم به زبان شه‌میرزادی اختصاص دارد که به شاخه زبان‌های غربی شمالی زبان‌های ایرانی تعلق دارد. به این زبان در شه‌میرزاد در ۶ کیلومتری شمال سنگسر واقع در استان سمنان گفت‌وگو می‌شود.

نویسنده در فصل چهاردهم کتاب به بررسی زبان تاتی پرداخته است. تاتی به شاخه‌ای از زبان‌های غربی شمالی ایرانی اطلاق می‌شود. این شاخه گویش‌هایی را شامل می‌شود که در منطقه وسیعی گسترده است که از جنوب رودخانه ارس آغاز می‌شود و تا شمال ساوه امتداد می‌یابد. زبان رایج در این منطقه ترکی است. گویش تاتی مورد بررسی در این فصل، گویش منطقه چال است که گویشوران آن را شال نیز تلفظ می‌کنند و بین بوئین‌زهر و تاکستان واقع است. در پایان بحث از چالی، نویسنده به مرور نکات مهم در یارشاطر^۱ (۱۹۶۹) در مورد چالی پرداخته و داده‌ها و شواهد آن را مؤید توصیف و تحلیل‌های خویش در مورد نظام حالت‌نمایی و مطابقه چالی دانسته است. همچنین، نویسنده با استفاده از شواهدی از یارشاطر (۱۹۶۹) به مقایسه ساخت‌های مورد بررسی در این فصل با برخی گویش‌های دیگر تاتی از جمله اشتهاردی، دانسفانی، اسفرورینی و خوزینی پرداخته است. نویسنده به داده‌های آثار پیشین در مورد زبان تاتی و گویش چالی از جمله یارشاطر (۱۹۶۹) اکتفا نکرده و با داده‌های جدید خود در برخی موارد به

یافته‌هایی متفاوت با یارشاطر (۱۹۶۹) رسیده است. به عنوان نمونه، برای ضمیر منفصل سوم شخص جمع چالی در یارشاطر (۱۹۶۹: ۱۴۷) تنها یک صورت *æy* ذکر شده و نویسنده کتاب حاضر برای آن دو صورت مذکر *ayi* و مؤنث *ayo* را آورده است (ص ۱۱۶۹). نویسنده همچنین از یارشاطر (۱۹۶۹) برای مقایسه تاریخی تغییرات در این گویش در یک بازه زمانی چنددهه‌ای استفاده کرده است. پایان‌بخش این فصل، اشاره به منابع دیگری درباره زبان تاتی است.

مروری بر زبان‌های مورد بررسی در فصل‌های سوم تا چهاردهم نشان می‌دهد که این زبان‌ها شامل ۳ زبان غربی جنوبی و ۹ زبان غربی شمالی هستند که در اقصا نقاط ایران گفت‌وگو می‌شوند و از تالشی در شمال ایران تا دلواری در جنوب و از کردی و اورامی در غرب تا بلوچی در شرق کشور را شامل می‌شوند. در فصل پانزدهم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، یافته‌های حاصل از توصیف‌ها و تحلیل‌های ارائه شده در فصل‌های سوم تا چهاردهم از زبان‌های ایرانی مرور شده است و پیامدهای نظری و کلان آن یافته‌ها شرح داده شده‌اند. از آنجا که توصیف‌ها و تحلیل‌های رده‌شناختی این کتاب به دو مقوله اصلی "رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان‌های ایرانی نو" و "رده‌شناسی نظام مطابقه در زبان‌های ایرانی نو" اختصاص دارد، یافته‌ها و پیامدهای مربوط به این دو مقوله در قالب چند بخش اصلی در این فصل قرار داده شده‌اند. بخش اول که به مقوله نخست اختصاص دارد، به توضیح وضعیت کلی زبان‌های ایرانی نو و مؤلفه‌های رده‌شناختی مشترک و غیرمشترک در زبان‌های ایرانی نو اختصاص دارد. پیامد یافته‌های حاصل از بررسی زبان‌های ایرانی برای زبان‌شناسی زایشی و برای رده‌شناسی زبان از زیربخش‌های بخش دیگری با عنوان "تحلیل یافته‌ها در گستره مباحث نظری" هستند. بخش‌های بعدی این فصل به مباحث نظری مربوط به "رده‌شناسی نظام مطابقه" و "نکاتی درباره منشأ پیدایش ساخت کنائی در زبان‌های ایرانی" پرداخته‌اند.

فهرست منابع، نمایه زبان‌ها، واژه‌نامه انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی از بخش‌های پایانی کتاب هستند.

طرح چند نکته مثبت و کلی کتاب حاضر در این‌جا ضروری است. توصیف‌های نویسنده در این کتاب حاکی از دقت نظر و باریک‌بینی‌های ستودنی وی است. دقت بسیار زیاد نویسنده در مورد صورت‌های مذکر و مؤنث و حالت اسم‌ها و اجزای فعل‌ها نیز شایان تقدیر است. تعداد بسیار اندک اشتباهات تایپی نیز از نقاط قوت کتاب حاضر است که اعتمادپذیری مباحث و مثال‌ها و نتایج و تعمیم‌های حاصله را افزایش می‌دهد و خواننده با اطمینان می‌تواند به مطالب این کتاب استناد کند.

در سال‌های اخیر، به علت رشد کلی رشته زبان‌شناسی و گسترش جایگاه رده‌شناسی و حوزه کنائی و نگارش آثار متعدد در مورد این حوزه به زبان انگلیسی، خلأی در واژگان معادل اصطلاحات تخصصی در زبان فارسی به وجود آمده بود. نویسنده کتاب حاضر در این اثر برای بسیاری از این واژه‌ها معادل فارسی ارائه کرده است. معادل "زبان‌ور" برای *malefactive*، "اثرپذیر صریح" برای *direct affectee* و "ترغیبی" برای *hortative* نمونه‌هایی از این اصطلاحات است.

مثال‌های متعدد و فراوان از جمله ویژگی‌های مثبت کتاب حاضر است که به خواننده امکان مقایسه جملات و صیغگان فعل‌ها را نیز داده است. بسیاری از مثال‌ها در قالب جمله مطرح شده‌اند و برای نشان دادن توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود، به عنوان نمونه، صیغگان کامل یک فعل لازم، یک فعل متعدی و یک فعل مرکب در نمود ناقص و کامل زمان‌های مختلف حال، گذشته و آینده برای هر زبان ذکر شده است. تعداد مثال‌های ذکر شده برای هر بحث بسیار فراوان است و به مثال‌های مرتبط ذکر شده در بحث‌های دیگر نیز ارجاع داده شده است. مثال‌های متعدد ذکر شده هر زبان مورد بررسی در این کتاب، گنجینه عظیمی از داده‌های این زبان‌ها را در یک جا گرد آورده است. در کنار مثال‌هایی در قالب جمله، برای برخی زبان‌ها از جمله وفسی، متونی نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. متون^۱ نیز از جمله منابع داده‌های مورد استفاده توسط رده‌شناسان است (کرافت^۲ ۲۰۰۳: ۲۹).

روش تعمیم مثال‌ها در کتاب حاضر، استقرائی^۳ است؛ به این معنا که نخست مثال‌های متعدد بررسی شده‌اند و سپس بر اساس مثال‌ها، یک تعمیم یا قانون مطرح شده است. به این ترتیب، خواننده سعی می‌کند در یافتن تعمیم همگام با نویسنده فکر کند و همچون یافتن پاسخ یک جورچین، مطالب را به دقت دنبال کند. این در حالی است که در بسیاری از آثاری از این دست، نخست یک تعمیم به صورت قیاسی^۴ مطرح می‌شود و سپس برای آن مثال‌هایی مطرح می‌شود و خواننده اشتیاقی برای دنبال کردن بحث و رسیدن به پاسخ ندارد، زیرا در آغاز بحث، پاسخ سوالات داده شده است.

تقطیع‌های فارسی اثر حاضر می‌تواند به عنوان الگویی برای آثاری از این دست در آینده به کار رود. تقطیع‌ها بسیار دقیق هستند و واژه‌ها را تا سطح تکواژ تقسیم کرده‌اند. برای نمونه، تقطیع افعال شامل پیشوند فعلی، نمود (مستمر، تام)، شخص و شمار، ستاک فعلی و واژه‌بست است که هر یک به دقت تفکیک و تقطیع شده است.

امید است همان‌طور که نویسنده اثر حاضر در مقدمه اظهار داشته است، کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی گامی باشد در جهت بومی‌کردن علم زبان‌شناسی در ایران و آشنا کردن زبان‌شناسی ایران با رویکردهای جهانی جدید از جمله رده‌شناسی. این اثر می‌تواند جامعه بین‌المللی زبان‌شناسی را از اهمیت زبان‌های ایرانی در پرتوآفکندن بر تنوع زبان‌های بشری آگاه سازد. گنجینه عظیم زبان‌های ایرانی و غیرایرانی رایج در ایران فرصتی است برای پژوهشگران و زبان‌شناسان ایرانی تا در نظریه‌پردازی زبان‌شناختی در جهان نیز سهمیم گردند.

سخن آخر اینکه، کتاب دوجلدی رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، مجموعه بسیار ارزشمندی است که مطالعه آن می‌تواند در روشن کردن بسیاری از مسائل مرتبط با زبان‌های ایرانی گره‌گشا باشد. این کتاب

1. texts
2. Croft
3. inductive
4. deductive

بدون شک از این پس به عنوان کتابی مرجع برای تمام زبان‌شناسان و محققان زبان‌های ایرانی و رده‌شناسی مورد استفاده قرار خواهد گرفت و از آثار ماندگار در زبان‌شناسی ایران خواهد بود.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷)، زبان، گونه، گویش، و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی، ادب‌پژوهی (۵)، دانشگاه گیلان، ۹۱-۱۲۸.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳)، *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، ویراست دوم، تهران: سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد اول)*، تهران: سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد دوم)*، تهران: سمت.
- Comrie, B. 1978. Ergativity. In W. Lehmann (Ed.), *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language* (pp. 329-394). Sussex: The Harvester Press.
- Corbett, G. 2006. *Agreement*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. 2003. *Typology and Universals*, 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dabir- Moghaddam, M. 1982. *Syntax and Semantics of Causative Constructions in Persian*, Unpublished Ph.D. dissertation, University of Illinois, Urbana. - 2001. "Word Order Typology of Iranian Languages". *The Journal of Humanities*, 8 (2), 17-23.
- Dabir- Moghaddam, M. 2006. "Internal and External Forces in Typology: Evidence from Iranian Languages". *Journal of Universal Language* 7, March 2006, PP. 29-47.
- Dabir- Moghaddam, M. 2008. "On Agent Clitics in Balochi". In C. Jahani, A. Korn, & P. Titus (Eds.), *The Baloch and others*.xx: Reichert, 83- 101.
- Dabir- Moghaddam, M. 2012. "Linguistic Typology: An Iranian Perspective". *Journal of Universal Language*, 13, 31-70.
- Dixon, R. M. W. 1994. *Ergativity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dryer, M. 1992. The Greenbergian Word Order Correlations. *Language*, 68, 81-138.
- Greenberg, J. H. 1963. Some Universals of Grammar with Particular Reference to the Order of Meaningful Elements. In J. Greenberg (Ed.), *Universals of Language* (pp. 73-113). Cambridge, MIT Press.
- Jahani, C., Korn, A., & Titus, P. (Eds.). (2009). *The Baloch and Others: Linguistic, Historical, and Socio-Political Perspectives on Pluralism in Balochistan*. Wiesbaden: Reichert Verlag.
- Stilo, D.L. 2004. *Vafsi Folk Tales*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert. Yar-Shater, Ehsan 1969. *A Grammar of Southern Tati Dialects*. The Hague: Mouton.